

یادداشت

محمدرضا سوری

خطوط عابر پیاده امن نیست

با وجود اینکه طبق قانون راهنمایی و رانندگی، رانندگان موظف هستند هنگام عبور عابران از خط عابر پیاده قبل از خط سفید توقف کنند تا عابران رد نشوند، اما این موضوع مهم اغلب مورد غفلت قرار می گیرد که نتیجه آن در مواردی به قیمت مصدوم شدن، معلولی یا از دست رفتن جان عابر پیاده تمام می شود.

قانون به صراحت بیان کرده که در خطوط عابر پیاده حق تقدم با عابر است. با توجه به صراحت قانون به این موضوع مهم و حیاتی، زمانی این موضوع تحقق می یابد که مأمور پلیس راهور در آنجا حضور داشته باشد و رانندگان خودروها از بیم جریمه شدن مجبور به رعایت آن شوند.

البته این موضوع برای بیشتر راکبان موتورسیکلت ها متفاوت است، چرا که بیشتر آنها حق تقدم را حق خود می دانند و عملاً کاری می کنند که عابران از بیم جانشان حق را به آنها می دهند.

در اینجا لازم است به نکته ظریفی اشاره کنم؛ به عنوان کسی که خود را تا حد قابل توجهی ملزم به رعایت حق تقدم عابران می دانم بارها هنگامی که با خودرو یا موتورسیکلت در حال تردد بوده و اقدام به توقف کرده ام تا عابران مورد نظر که بیشتر آنها نیز افراد مسن بودند عبور کنند، با قدردانی مرا شرمندۀ خود کرده اند. این در حالی است که حق تقدم همواره با آنهاست، اما نکته ظریف در این است که بی توجهی به این قانون موجب شده فکر کنند در حق آنها ادب را رعایت کرده ام.

موضوع دیگر اینکه هر راننده ای که بدون توجه به حقوق عابران از خطوط عابر پیاده عبور می کند خودش هم بارها در همان موقعیت پرخطر قرار می گیرد و از رانندگان متخلف شاکی می شود. با این حال وقتی پشت فرمان خودرو یا موتور قرار می گیرد حاضر به احترام به حقوق عابران نیست.

اما نکته ای که بارها پلیس به آن ادعان کرده، جریمه حادقایی است که برای عدم رعایت حق تقدم عابر پیاده تعیین شده است. طبق آخرین نرخ جرایم رانندگی در سال جاری عدم رعایت تقدم عابر پیاده، در داخل کلانشهرها، شهرها و راه های روستایی تنها ۶۰ هزار تومان است که با توجه به تورم در حال حاضر عملاً یعنی هیچ. به غیر از راه های فرهنگی که بارها معاونت اجتماعی پلیس راهور در قالب پوینامی و فیلم انجام داده است، جا دارد ضمن بالا بردن هزینه جریمه رانندگی، استفاده از تجهیزات الکترونیکی برای شناسایی راننده متخلف خودرو و موتورسیکلت در دستور کار قرار بگیرد، تا به زودی شاهد اجرای فرهنگ عبور از خط سفید عابر پیاده در میان رانندگان باشیم.

دستگیری ۶ قاتل فراری در زاهدان

دستگیری شش قاتل متواری در زاهدان طی یک هفته و کشف راز سه پرونده قتل، ضرورت توجه جدی به وضعیت امنیت عمومی و بررسی ابعاد خشونت های مرگبار در این شهر را برچسبته کرده است. به گزارش «جوان»، سرهنگ احمدعلی جهانتینی، رئیس پلیس آگاهی استان سیستان و بلوچستان گفت: در راستای مقابله قاطع با قاتلان و رسیدگی ویژه به پرونده های قتل، کارآگاهان پلیس آگاهی استان در یک هفته گذشته با اجرای عملیات های جداگانه، موفق به دستگیری شش قاتل متواری در زاهدان شدند. این دستگیری ها به کشف سه فقره پرونده قتل طی هفت روز انجامید و متهمان پس از تکمیل پرونده برای ادامه رسیدگی به مراجع قضایی معرفی و روانه زندان شدند.

دستگیری شش متهم به قتل در مدت یک هفته، فارغ از نتایج مثبت اقدامات پلیسی، ضرورت بررسی دقیق تر وضعیت قتل و عوامل مؤثر بر خشونت های مرگبار در زاهدان را یادآوری می کند. امنیت شهروندان تنها با دستگیری قاتلان پس از وقوع جنایت تأمین نمی شود. پیشگیری از قتل، برخورد با تهدیدهای جدی، جمع آوری سلاح های غیرمجاز و رسیدگی به زمینه های خشونت نیز باید در اولویت قرار گیرد تا زاهدان شاهد کاهش واقعی قتل و افزایش احساس امنیت عمومی باشد.

قتل دلخراش نوجوان ۱۴ ساله در فنوج

دو متهم پرونده قتل نوجوان ۱۴ساله در شهرستان فنوج، کمتر از ۲۴ ساعت پس از وقوع جنایت با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی دستگیر شدند. به گزارش «جوان»، سرهنگ احمدعلی جهانتینی، رئیس پلیس آگاهی استان سیستان و بلوچستان گفت: همزمان با قتل نوجوان ۱۴ ساله، کارآگاهان پلیس آگاهی وارد عمل شدند. مأموران در جریان بررسی های خود موفق شدند عاملان قتل را شناسایی و دو متهم را بازداشت و در بازرسی از مخفیگاه آنها یک قبضه سلاح جنگی کشف کنند. دو متهم در بازجویی ها به قتل اعتراف کردند و تحقیقات از آنها جریان دارد.

غلامرضا مسکنی

مرد ۶۵ساله ای در جریان تیراندازی خونین در برج هرمرزان شهرک غرب؛ همسر، پدرزن و مادرزنش و سرایدار ساختمان را هدف گلوله قرار داد و سپس خودکشی کرد. در این حادثه، سه نفر از قربانیان و عامل تیراندازی جان باختند و همسر و او با جراحات شدید به بیمارستان منتقل شد. تحقیقات پلیس برای کشف انگیزه این جنایت ادامه دارد. ساعت حدود ۹ صبح دیروز دوشنبه ۲۷ مهرماه، ساکنان برج مسکنی محل هرمرزان در شهرک غرب متوجه صدای درگیری از یکی از واحدهای طبقه هفدهم شدند. صدای درگیری بر لحظه بیشتر می شد که برخی از ساکنان کنجکاو شدند و از خانه های خود بیرون آمدند. هنوز لحظاتی از مشاجره اعضای خانواده نگذشته بود که صدای شلیک چند تیر سکوت برج را در هم شکست و بقیه ساکنان هم برراسیمه و وحشت زده خودشان را به طبقه هفدهم رساندند. همسایه ها صدای شلیک ۱۰ گلوله را شنیدند و در حالی که شوکه شده بودند تلاش کردند در باز کنند.

صدای ناله های ضعیف و آرام دو زن به گوش می رسید که یکی از آنها می گفت شوهرم همه ما را زخمی کرده، به اورژانس و پلیس خبر بدهید. ساکنان که از شنیدن این جملات شوکه شده بودند، بلافاصله با نیروهای امدادی و پلیس تماس گرفتند. در حالی که همسایه ها پشت در منتظر رسیدن مأموران بودند، دو نفر از بستگان خانواده که در همان برج زندگی می کردند، با استفاده از کلید ی دکی در واحد را باز کردند، اما تصور

نمی کردند با چنین صحنه هولناکی روبه رو شوند.

اجساد خونین در پذیرایی و اتاق خواب
در پذیرایی، مادر ۴۰ ساله خانواده که همراه همسر و فرزندش در آنجا زندگی می کرد، غرق خون روی زمین افتاده و به سختی نفس می کشید. مادر ۷۰ ساله او نیز با جراحات ناشی از

اصابت گلوله در همان قسمت خانه پیدا شد. کمی آن طرف تر، پیکر بی جان سرایدار ساختمان قرار داشت که برای نظافت به خانه آمده بود.

اما صحنه های تلخ به همین جا ختم نمی شد. بستگان خانواده با ورود به اتاق خواب، جسد مرد ۷۵ ساله صاحبخانه را در کنار تخت مشاهده کردند. در بخش دیگری از اتاق نیز پیکر خونین داماد ۶۵ ساله خانواده افتاده بود و دو قبضه کلت

کمری در نزدیکی او قرار داشت.

با اعلام ماجرا، مأموران کلانتری شهرک غرب و نیروهای اورژانس به محل رفتند. دو زن مجروح برای درمان به بیمارستان منتقل شدند و موضوع به قاضی محمدی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران گزارش شد. همزمان، بازپرس پرونده به محقق کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی شهرستان خود را برای روشن شدن ابعاد این جنایت آغاز کرد.

جنایت خانوادگی بدون سابقه اختلاف
بررسی های اولیه نشان داد عامل این جنایت، داماد خانواده بوده که پس از شلیک به اعضای خانواده همسرش به زندگی خود پایان داده است. به گفته همسایه ها و بستگان، او حدود ۱۵ سال قبل با دختر این خانواده ازدواج کرده و حاصل این ازدواج، پسر ۱۴ ساله است که هنگام وقوع حادثه در مدرسه حضور داشت. بنا

بر اطلاعات به دست آمده، این ازدواج، ازدواج دوم مرد بود. این مرد و همسرش سال ها در کنار خانواده زن زندگی می کردند و به گفته افرادی که آنها را می شناختند، پیش از این حادثه نشانه ای از اختلاف جدی میان شان دیده نشده بود. عامل جنایت در گذشته در زمینه خریدوفروش ساختمان و املاک فعالیت می کرد، اما مدتی بود که فعالیت کاری نداشت و بیشتر وقت خود را در خانه می گذراند.

اظهارات اولیه و بررسی صحنه نشان می داد صبح حادثه، داماد خانواده همراه همسر و مادرزنش مشغول صرف صبحانه بودند. در همین زمان، سرایدار ساختمان نیز به درخواست صاحبخانه برای نظافت به واحد آمده بود. ظاهراً مشاجره ای میان مرد و همسر

و مادرزنش شکل می گیرد و صدای آن به گوش همسایه ها می رسد.

کشف ۲ قبضه کلت در خانه

براساس یافته های اولیه، مرد پس از بالا گرفتن مشاجره به اتاق خود می رود و دو قبضه کلت کمری را که در کمد نگهداری می کرد، برمی دارد. او سپس به پذیرایی بازمی گردد و همسر و مادرزنش را هدف گلوله قرار می دهد. پس از آن به سمت اتاق خوابی که پدرزنش به احتمال زیاد در آنجا خواب بوده، می رود که با سرسرایدار که مشغول نظافت بود روبه رو می شود و با شلیک گلوله او را هم از درمی آورد. سپس وارد اتاق خواب می شود و پدرزنش را که به احتمال زیاد با شنیدن صدای شلیک گلوله ها از خواب بیدار شده بود، هدف قرار می دهد و او را نیز در جا به قتل می رساند. داماد خانواده در ادامه با شلیک گلوله به زندگی خود پایان داد.

کارآگاهان در جریان بررسی های تخصصی، دو قبضه کلت کمری را در محل کشف کردند. با این حال، در بررسی های اولیه مشخص نشد این سلاح ها از چه زمانی در اختیار مرد بوده و انگیزه دقیق او از ارتکاب این جنایت چه بوده است. همچنین در تحقیقات اولیه، مأموران مدركی که نشان دهد او این سلاح ها را مشخصاً برای اجرای نقشه قتل اعضای خانواده تهیه کرده، پیدا نکردند.

به همین دلیل، تحقیقات درباره نحوه تهیه سلاح ها و علت وقوع حادثه ادامه دارد.

مرگ مادرزن در بیمارستان

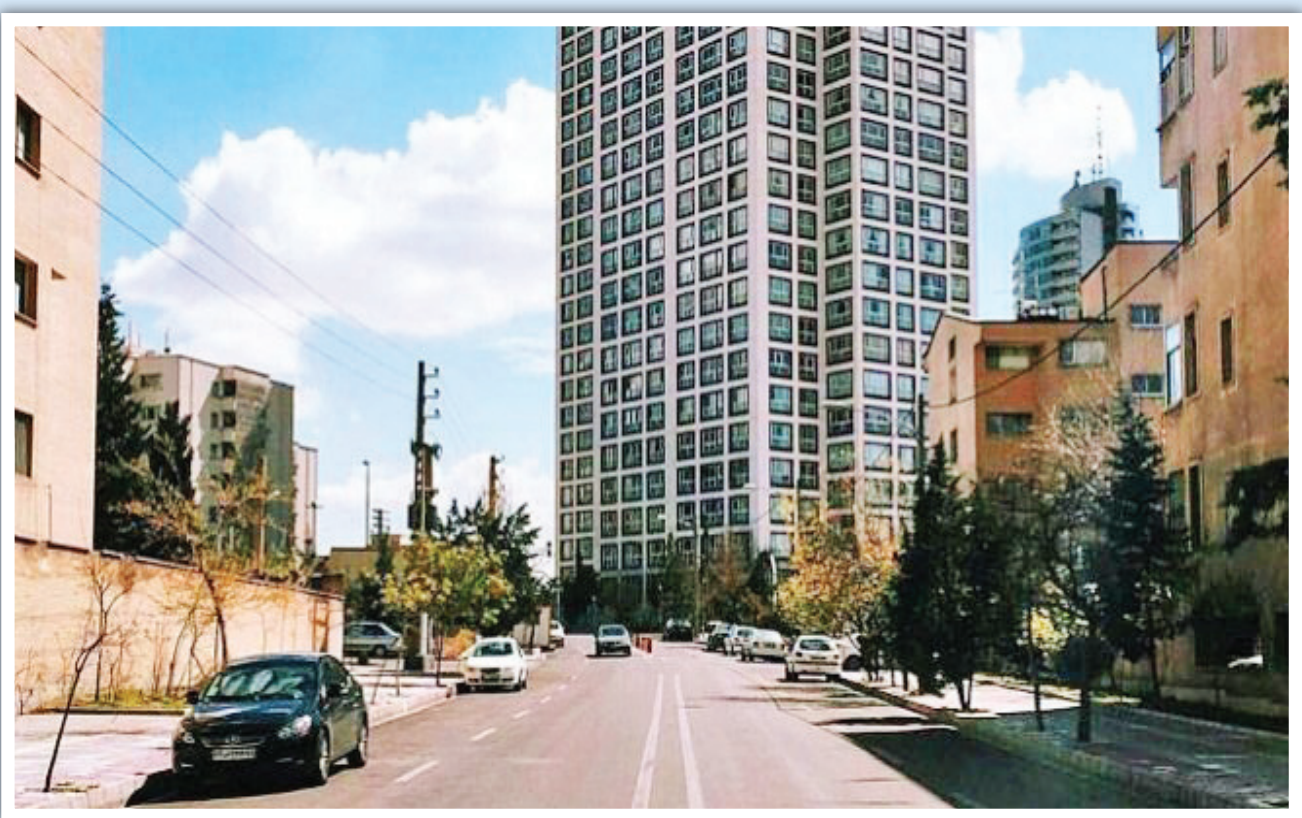
در حالی که تحقیقات در محل حادثه نیز ادامه داشت، از بیمارستان خبر رسید مادرزن عامل جنایت به دلیل شدت جراحات و خونریزی جان باخته است. تلاش کادر درمان برای نجات جان همسر او ادامه دارد و کارآگاهان امیدوارند با بهبود وضعیت این زن، اطلاعات بیشتری درباره لحتفات پیش از تیراندازی و انگیزه احتمالی همسرش به دست آورند.

تحقیقات قضایی و پلیسی برای روشن شدن انگیزه این قتل خانوادگی و بررسی تمام زوایای پنهان حادثه همچنان ادامه دارد.

حوادث

سرویس حوادث ۰۶۰۸۵۲۳۰

۴ کشته در قتل عام خانوادگی برج هرمرزان تهران



مهرماه امسال، هشت پرونده تبدیل شده و قربانیانی که گاه حتی فرصت

دفاع از خود را نداشته اند. کودکان نیز در میان قربانیان این حوادث حضور دارند، واقعیتی که تلخی این جنایت ها را دوچندان می کند. قتل خانوادگی پدیده ای نیست که بتوان آن را صرفاً به تصمیم فردی یک مجرم یا اختلافی خصوصی تقلیل داد. هر پرونده شرایط و انگیزه های خاص خود را دارد و برای شناخت علت وقوع آن باید شواهد، سابقه اختلاف ها، نشانه های تهدید و شرایط زندگی افراد بررسی شود. با این حال، تکرار چنین حوادثی در یک بازه زمانی کوتاه، ضرورت توجه جدی به زمینه های اجتماعی و روانی خشونت را

برجسته می کند.



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

در مواردی به خشونتی مرگبار تبدیل شده و قربانیانی که گاه حتی فرصت دفاع از خود را نداشته اند. کودکان نیز در میان قربانیان این حوادث حضور دارند، واقعیتی که تلخی این جنایت ها را دوچندان می کند. قتل خانوادگی پدیده ای نیست که بتوان آن را صرفاً به تصمیم فردی یک مجرم یا اختلافی خصوصی تقلیل داد. هر پرونده شرایط و انگیزه های خاص خود را دارد و برای شناخت علت وقوع آن باید شواهد، سابقه اختلاف ها، نشانه های تهدید و شرایط زندگی افراد بررسی شود. با این حال، تکرار چنین حوادثی در یک بازه زمانی کوتاه، ضرورت توجه جدی به زمینه های اجتماعی و روانی خشونت را

بر برخی پرونده ها، عامل جنایت پس از کشتن اعضای خانواده به زندگی خود پایان داده است. در چنین شرایطی، امکان بازجویی و رسیدگی قضایی به متهم از بین می رود و بخشی از انگیزه ها و زمینه های وقوع حادثه ممکن است برای همیشه ناگفته بماند. البته پایان یافتن تعقیب کیفری فردی که فوت کرده، نباید به معنای پایان بررسی اجتماعی پرونده باشد. بررسی شواهد، گفت وگو با اطرافیان و شناسایی نشانه های هشداردهنده می تواند برای پیشگیری از حوادث مشابه در آینده ارزشمند باشد. در این میان، سازمان امور اجتماعی کشور، وزارت علوم، دانشگاه ها و مراکز پژوهشی، به ویژه گروه های جامعه شناسی، روان شناسی اجتماعی و مطالعات خانواده، مسئولیتی جدی برعهده دارند. پرسش اساسی این است که آیا از مجموعه این حوادث، داده های منسجم و قابل تحلیل استخراج می شود؟ آیا شباهت ها و تفاوت های پرونده ها بررسی می شود؟ و آیا یافته های این بررسی ها به برنامه های اجرایی برای کاهش خشونت تبدیل خواهد شد؟

فشارهای اقتصادی، ناامنی معیشتی، فرسودگی روانی، تعارض های حل نشده خانوادگی و کاهش اعتماد اجتماعی از جمله عواملی هستند که باید به صورت علمی بررسی شوند. شرایط دشوار اقتصادی و پیامدهای روانی بحران های اجتماعی می تواند منجر به پدیده های خطرناک افزایش خشونت باشد. اما نمی توان بدون پژوهش و شواهد معتبر، آنها را علت قطعی این قتل ها دانست.

همچنین مشکلات روانی نباید به طور کلی با خشونت و جنایت مترادف تلقی شوند. انتظار می رود سازمان امور اجتماعی کشور با همکاری دانشگاه ها و نهادهای حمایتی، پرونده های قتل خانوادگی را از منظر پیشگیری تحلیل کند، از شناسایی الگوهای مشترک و بررسی سابقه تهدیدها گرفته تا از زبانی دسترسی قربانیان به حمایت اجتماعی و امکان مداخله پیش از وقوع جنایت. انتشار گزارش های دوره ای و مستند نیز می تواند به روشن شدن ابعاد مسئله کمک کند.

مسئولیت پذیری در این حوزه به تشکیل کارگروه و برگزاری نشست محدود نمی شود. تقویت خدمات مشاوره ای در دسترس، حمایت امن از قربانیان خشونت خانگی، رسیدگی سریع به تهدیدهای جدی، آموزش تشخیص نشانه های خطر و هماهنگی میان پلیس، دستگاه قضایی، مراکز درمانی و نهادهای اجتماعی، باید به برنامه هایی مشخص، قابل ارزیابی و پاسخگو تبدیل شود. البته برای نتیجه گیری درباره افزایش قتل های خانوادگی در کشور، مقایسه آمار رسمی همراه با دوره های مشابه سال های گذشته ضروری است. هشت پرونده گزارش شده به تنهایی اثبات کننده روند افزایش نیستند، اما شمار قربانیان و ماهیت این حوادث، به قدر کافی جدی است که بررسی تخصصی آنها را به تعویق نیندازد. قتل خانوادگی، گاهی پایان فرصت شناخت خطری است که پیش تر نشانه هایی از خود بروز داده بود. اگر اقرار است از تکرار این فجایع جلوگیری شود، نهادهای مسئول باید از واکنش پس از حادثه عبور کنند و به این پرسش پاسخ دهند: چه اقدام مؤثری می توان انجام داد تا اختلاف و بحران، پیش از تبدیل شدن به جنایت، شناسایی و مهار شود؟ همراه باید برای این نهادهای مسئول، زنگ خطر باشد، نه خبری که پس از چند روز در میان انبوه اخبار گم شود. هزینه ی توجهی به این هشدارها ممکن است بار دیگر با جان انسان هایی پرداخت شود که هیچ فرصتی برای بازگشت به زندگی نخواهند داشت.

بازداشت سارقان مسلح تلافروشی در خلخال

پنج سارق حرفه ای که به یک مغازه تلافروشی در شهر هشتجین خلخال حمله کرده و حدود سه کیلوگرم طلا به سرقت برده بودند، در عملیات مشترک پلیس خلخال و کوثر، کمتر از یک ساعت پس از سرقت دستگیر شدند. به گزارش «جوان»، سردار جواد تقوی، فرمانده انتظامی استان اردبیل اظهار کرد: در پی اعلام سرقت از یک مغازه تلافروشی در میدان وحدت شهر هشتجین، شناسایی و دستگیری سارقان به صورت ویژه در دستور کار مأموران قرار گرفت. بررسی های تخصصی نشان داد پنج سارق با استفاده از سلاح سرد و کلت های کمری شبه واقعی و پلاستیکی و با دو دستگاه خودروی پراید و سمند، طلاهای مغازه را سرقت کرده و از محل متواری شده اند.

وی افزود: مأموران با اجرای طرح مهار، افزایش گشت و زنی های هدفمند و انجام عملیات مشترک در شهرستان های خلخال و کوثر، پس از تعقیب و گریز پلیسی، هر پنج متهم را در کمتر از یک ساعت دستگیر کردند. فرمانده انتظامی استان اردبیل تصریح کرد: حدود ۳ کیلوگرم طلای مسروقه، تعدادی سلاح سرد و کلت های کمری شبه واقعی و پلاستیکی از متهمان کشف و خودروهای مورد استفاده آنان توقیف شد. به گفته سردار تقوی، اقدامات قانونی در این پرونده ادامه دارد.

کشف ۱۵۰ بسته هروئین در معده ۴ قاچاقچی

مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر خور و بیابانск، چهار قاچاقچی را که در پوشش یک خانواده قصد انتقال مواد مخدر به پایتخت را داشتند، با ۱۵۰ بسته هروئین جاساز شده در معده شان دستگیر کردند. به گزارش «جوان»، سرهنگ سیدرضا علوی، فرمانده انتظامی خور و بیابانک گفت: مأموران در ایستگاه بازرسی شهید احمد رشیدی به این چهار نفر مشکوک شدند و دو متهم را بازداشت و مأموران را در نزدیکی ۳۷۶ گرم ا کشف کردند. به گفته وی، متهمان قصد داشتند این محموله را از استان های شرقی به پایتخت منتقل کنند که با هوشیاری مأموران ناگام ماندند. پرونده متهمان برای طی مراحل قانونی در دستور کار قرار گرفت.



به مصرف مواد مخدر روی بیاورد. او گفت: «بعد از این اتفاق افسرده شدم و به مواد مخدر روی آوردم تا اینکه به هروئین اعتیاد پیدا کردم. فرزندان دیگرم هم بزرگ شدند و هر کدام دنبال زندگی خودشان رفتند و من تنها ماندم.»

متهم درباره روز حادثه نیز ادعا کرد برای خرید مواد مخدر به حوالی افسریه رفته بود که با دختر خردسالی روبه رو شد که گریه می کرد.

او در ادامه گفت: «دختر بچه از من بگف و تنلات خواست و من هم برایش خریدم. او محل زندگی اش را نمی دانست. به همین دلیل، او را به خانام بردم تا

بعدا دنبال خانواده اش بگردم.»

بازپرس در ادامه تحقیقات از متهم پرسید اگر قصد داشته کودک را به خانواده اش برساند، چرا موضوع را به پلیس اطلاع نداده و او را به مأموران تحویل نداده است. فریبا در پاسخ مدعی شد به دلیل اعتیادش از دستگیری می ترسیده و به همین خاطر سراغ پلیس نرفته است.

تحقیقات از متهم برای فاش شدن زوایای پنهان این حادثه ادامه دارد.